



یادداشت

جام زهر به کامتان ولی نجاتبخش رژیم شما نخواهد شد

صادق کار



شروع جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و تداوم آن با وجود گذشت بیش از صد روز چنان هراس و تفرقه و به هم ریختگی در میان نیروهای درون رژیم بوجود آورده که هرگز نظیر آن دیده نشده است. بخصوص اینکه رژیم با همه خشونت و دناستی که برای سرکوب جنبش نموده نتوانسته است از رشد آن جلوگیری کند و در واقع مستاصل و نا امید شده است. استیصالی که آثار آن را به رغم همه تلاشهایی که برای پنهان کردن اش به عمل می آید می شود در برخوردها و اقدامات و سراسیمگی رفتاری کارگزاران رژیم فقهاتی و بلبشویی که در میان آنها شکل گرفته دید

تشدید غیر قابل لاپوشانی اختلافات میان خامنه‌ای و رئیسی با شمخانی، رئیسی و قالیباف، و میان مجلس و دولت، بر سر برخورد با جنبش و بحران های فلج کننده در صدر اختلافات و درگیری ها قرار دارد

در کنار اختلافات و شکافهای فزاینده داخلی تشدید فشارهای خارجی به رژیم بواسطه استفاده از پهباد های فروخته شده به روسیه در جنگ اوکراین و همسویی های فزاینده رژیم با روسیه و برخورد های سرکوبگرانه با جنبش نیز به نوبه خود به بحران ها و تشدید درگیری های درون رژیم دامن زده است

در این میان محافظه کاران و وابستگان به دولت روحانی برای نجات رژیم و احیای موقعیت گذشته خود و بازگرداندن چرخ تاریخ به عقب به دست و پا افتاده‌اند. آنها که علت بحران و خلق جنبش انقلابی را در عدم توافق با غرب بر سر برجام و پذیرفته نشدن اقدامات دولت روحانی، ناکارایی دولت رئیسی و طرد خود می دانند. برای توافق بر سر برجام و اختلافات با غرب تلاشهای شان را تشدید کرده‌اند

افزایش قیمت همه روزه دلار و تشدید دم افزون بحران اقتصادی و معیشتی به همراه مجموع فشار ها به نظر می رسد کار خودش را کرده و خامنه‌ای را آماده سرکشیدن جام زهر برجام کرده باشد. برای فراهم کردن زمینه های کار اقداماتی هم شروع شده است. روحانی بعد از صد روز سکوت و مشاهده وخامت اوضاع دوباره جرات به خود داد تا برنامه دولت خود و "اسلام رحمانی" را بعنوان بدیل سیاستهای حاکم به خورد مردم بدهد

چند روحانی سرشناس حکومتی از آن جمله مکارم شیرازی، پشت سر هم از گرانی ارز و بدتر شدن فقر و نارضایتی مردم از وضعیت اقتصادی گله و شکایت کردند و خواستار رسیدگی دولت به آن شدند



مصباحی مقدم عضو شورای تشخیص مصلحت نیز با اشاره به تحریم‌ها گفت: "تحریم‌ها و برخوردهای آنها، موجب می‌شود که فشارهای مضاعفی بر کشور ما وارد شود. علاوه بر این، اینکه مذاکرات برجام متوقف شد و به نتیجه نرسید، فضا را به نحوی غیرقابل تحمل کرده؛ به این معنا که از لحاظ روانی هم فشارها را مضاعف کرده است."

وزیر امور خارجه رژیم نیز چند روز قبل از سفر به عمان که گفته می‌شود سفری مرتبط با برجام است گفته بود پنجره برجام را باز گذاشته‌اند اما همیشگی نیست.

برخی از گزارشات نیز حکایت از دادن چراغ سبز خامنه‌ای برای امضای قرارداد برجامدارند. ظاهراً رژیم در موقعیت امضای قرارداد برجام قرار دارد. اما معلوم نیست طرف‌های دیگر با توجه به وضعیت جنبشی در ایران که مخالفان با بستن هر قراردادی که باعث تقویت موقعیت رژیم شود مخالف‌اند، تا چه حد و با چه شرایطی حاضر به کنار آمدن با رژیم هستند.

امضای توافق با شروطی که طرف مقابل می‌خواهد، در داخل رژیم هم نمی‌تواند به تعارضات خاصه در شرایطی که موقعیت خامنه‌ای حتی در راس هرم قدرت هم به شدت تضعیف شده است دامن نزند.

جناح دیگری از حکومت در عین مخالفت با جنبش انقلابی راه کارهای اصلاحی و اصلاح روش‌های حکمرانی در چهار چوب رژیم را، راه کار غلبه بر بحران و سرکوب جنبش می‌داند و انجام آنها را درخواست می‌کند. با این همه رژیم حتی در موقعیت کنونی قادر به انجام اصلاحات هم نیست زیرا نه امکان آن را دارد. و نه ظرفیت اش را.

روزنامه جمهوری اسلامی خطر را در تصور غلط مسئولان از علل نارضایتی مردم و راه کار مقابله با جنبش را توجه به "سخنان معترضان خاموش" عنوان کرد و نوشت: "خطر واقعی تصور غلطی است که حکمرانان ما از روش حکمرانی خود دارند و ارزیابی نادرستی است که از توده مردم که «معترضان خاموش» هستند، دارند. مردم از بی‌عدالتی رنج می‌برند، از فساد اقتصادی رنج می‌برند، از خُلف وعده‌ها رنج می‌برند، از کاهش ارزش پول ملی رنج می‌برند، از گرانی‌ها رنج می‌برند، از تنگناهای شدید معیشتی رنج می‌برند و از عدم مشارکت واقعی در سرنوشت سیاسی خود رنج می‌برند. اینها محصول ضعف مدیریت‌ها هستند و اصرار بر عدم پذیرش این ضعف، نارضایتی‌ها را بیشتر و شدیدتر خواهد کرد". مسائلی که مقاله روزنامه جمهوری اسلامی به آنها پرداخته مسائلی نیستند که به تازگی بوجود آمده باشند، اینها ده‌ها سال است که جاری و جاری بوده و نتیجه عملکرد کل جناح‌های رژیم هستند. روزنامه جمهوری اسلامی تا قبل از شروع جنبش اشاره‌ای به آنها که نکرده هیچ بلکه از رویکردهای کلی حکومت و دولت رئیسی تا چند ماه پیش همواره پشتیبانی کرده است. مقاله نویسنده روزنامه که در عین مطرح کردن بخشی از مطالبات کوشش و آفری برای تخطئه و تحقیر جنبش انقلابی و سبب واقعی این رخداد تاریخی بی‌نظیر نموده است خود بهتر از هرکس می‌داند که انجام مطالباتی که در نوشته خود مطرح کرده با وجود رژیم فاسد و تبهکار محتمل نیست. اما بقول ضرب‌المثل معروف (بی‌مایه فطریه) سعی کرده دشمنی خود با جنبش را با چاشنی بخشی از مطالبات جامعه به خورد مردم بدهد.

در بدیل‌های روحانی و روزنامه جمهوری اسلامی و نه در هیچ یک از انتقاداتی که توسط منتقدین درونی حکومت از آن شده و می‌شود از کشتار و زندانی کردن و شکنجه‌ها و ترورهای مخالفان و مبارزان توسط ایادی حکومت حرفی زده نمی‌شود که هیچ بلکه کوشش می‌شود با عنوان‌هایی چون "اغتشاسگر"، "تجزیه طلب و غیره" ماهیت و مطالبات جنبش انقلابی و ازگونه جلوه داده شود و مطالبات جنبش نیز توسط آنها مصادره به میل شود.

روحانی از اسلام رحمانی و احترام اسلام به زن طوری دم می‌زند که انگار خود از تحمیل کنندگان پیشتاز حجاب اجباری و مجریان "اسلام رحمانی" نبوده است و یا خیال می‌کند مردم از سابقه امنیتی و نقشی که



وی در سرکوب های "رحمانی" ۴۳ سال گذشته و سرکوب های خونین دی ۹۶ و آبان ۹۸ که در زمان ریاست جمهوری وی انجام گرفت بی خبر هستند

گویا هنوز نمی خواهند بپذیرند دوران این فریبکاری ها به سر رسیده است و همگی آنان جزء کارگزاران و سیاست سازان اصلی کشور بوده اند و امتحان خود را پس داده اند. چرخ تاریخ را نمی توانید به عقب برگردانید. راه کار های شما اگر کارآمد بود وضعیت امروز مردم این همه فاجعه بار نبود. این جنبش نتیجه عملکرد و رویکردهای فاجعه بار شماست. سه جنبش پیشین را سرکوب کردید، اما این یکی را نمی توانید تن دادن به توافق احتمالی و دیر هنگام و ذلت بار برجامی در شرایط اوج استیصال رژیم و مخالفت به حق جنبش انقلابی با آن در مقطع کنونی اگر هم انجام شود حکم نوشدارو بعد از مرگ سهراب را دارد و نمی تواند کمک چندانی به بقای رژیم بنماید و مانع از پیشرفت و پیروزی جنبش انقلابی شود. جام زهر به کامتان اما این جنبش به هیچ کشوری وابسته نیست که سازش شما با آن بتواند در حرکت آن خللی وارد آورد. بهمین دلیل با هر سازش خارجی که به تقویت اسباب سرکوب رژیم کمک کند مبارزه خواهد کرد

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش بیست و پنجم
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی"
هیو استورجس



همچنان که ایده "تضمین اشتغال" تأکید دارد، اگر بیکاری از میان برداشته شود، طبعاً تلقی فرهنگی از "کار" در برابر "تأمین" نیز تغییر خواهد کرد. در این صورت محتملاً ممکن است، کارگران "تضمین اشتغال" به عنوان کسانی دیده شوند که در "کار به معنای واقع" شرکت نمی کنند، و تنبل و پرتوقع اند؛ کما این که کارگران برنامه های "نیو دیل" نیز غالباً چنین قضاوت شدند. شغلی که بتوان آن را بلافاصله به دست آورد،



بدون آن که "نیازی به داشتن مهارت و تقویت آن باشد، و بدون آن که برایش زحمتی به خودت بدهی"، می...تواند پاداش به کسانی تلقی شود که برای

تضمین اشتغال در عمل: واقعیت‌های سیاسی و اداری 4. ملاحظات سیاسی

در یک جامعه دموکراتیک، تداوم برنامه های رفاه اجتماعی مشروط به حمایت گروه های خاص ذینفع و نیز عموم مردم است. بنابراین باید پیامدهای سیاسی بالقوه این قبیل برنامه ها را در نظر گرفت. در بخشهای قبلی این نوشته برخی موضوعات ناظر بر پیامدهای سیاسی ذکر شده اند: تأثیر منفی این دست برنامه ها روی دستمزد کارگران شاغل در بخشهایی مثل بهداشت، ایمنی کار به طور کلی و کارگران "تضمین اشتغال"، پرداخت دستمزد برای انجام کارهای "دلخواهی"، و تضعیف کار سازمانیافته در بخش دولتی. گروه های ذینفعی که در اثر این عوامل بالقوه در برابر "تضمین اشتغال" مقاومت خواهند کرد، عبارتند از: صاحبان مشاغل خاص (مانند مراقبت از کودکان، مراقبت از سالمندان، کارکنان خدمات رفاهی عمومی و غیره)، گروه هایی از جماعات محلی که نگران امنیت عمومی اند، کسانی که با ترم عمومی "مالیات دهندگان" نامیده می شوند (و از نظر سیاسی توسط گروه های ایدئولوژیک مختلف مانند احزاب سیاسی، گروه های عمل و اتحادیه های بخش عمومی نمایندگی می شوند). مخالفت احتمالی این گروه ها با (یا حداقل تردیدهای جدی در مورد) یک برنامه "تضمین اشتغال" به این یا آن شکل موجب فعال شدن ناسازگارهایی می شود که زیر نام چهارضلعی غیرممکن توضیح داده شدند. هرچه مدیران بیشتر تلاش کنند، تا ضمن حفظ مشاغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" به عنوان مشاغل نیازمند مهارت کم و تولیدوری کم، به نگرانیهای اتحادیه ها و کارگران در مشاغل مشابه پاسخ دهند، احتمال بیشتری وجود دارد که آنها این برنامه را بیحاصل ارزیابی کنند. در این بخش به اختصار سایر پیامدهای سیاسی "تضمین اشتغال" بررسی خواهند شد.

انگ زدن به کارگران "تضمین اشتغال": حامیان "تضمین اشتغال" اغلب "تعیین می کنند" که جامعه، دنیای کسب و کار، و دیگر کارگران چگونه نگاهی به "تضمین اشتغال" باید داشته باشند. آنها معتقدند که کارگران "تضمین اشتغال" در معرض انگ زدنهای کمتری نسبت به بیکاران قرار دارند، زیرا دستمزدشان به ازای کار است و جنبه تأمینی ندارد. بنابراین ترجیح جامعه به اشتغال را به عنوان وسیله ای برای کسب درآمد برآورده می کند. در نگاه نخست این استدلال پذیرفتنی است، اما ساختار اجتماعی و سیاسی "انگ زنی" را نادیده می گیرد. باور نسبتاً رایج دایر بر این که بیکاران تنبل اند و به خرج جامعه زندگی می کنند، در برنامه مساعده اجتماعی استرالیا، (Newstart: "تناقض کامل با شواهدی است مبنی بر این که "نیواستارت یک مساعده ناچیز است که ابداً به (برای بیکاران 22 ساله و بیشتر که به سن بازنشستگی نرسیده اند نشان می دهد، (Windschuttle) عنوان یک استاندارد پایه زندگی کافی نیست. چنان که ویندشاتل رسانه ها نقش فعالی در انگ زدن به بیکاران به عنوان «تن آسایان» ایفا می کنند؛ هم برای بازارگرمی و هم به عنوان بخشی از تلاش سیاسی برای تضعیف حمایت از برنامه های بازتوزیع ثروت. از آنجا که پیشداوری نسبت به بیکاران مبتنی بر واقعیات نیست، نباید انتظار داشته باشیم که واقعیتهای آن را تغییر دهند.

همچنان که ایده "تضمین اشتغال" تأکید دارد، اگر بیکاری از میان برداشته شود، طبعاً تلقی فرهنگی از "کار" در برابر "تأمین" نیز تغییر خواهد کرد. در این صورت محتملاً ممکن است، کارگران "تضمین اشتغال" به عنوان کسانی دیده شوند که در "کار به معنای واقع" شرکت نمی کنند، و تنبل و پرتوقع اند؛ کما این که کارگران برنامه های "نیو دیل" نیز غالباً چنین قضاوت شدند. شغلی که بتوان آن را بلافاصله به دست آورد، بدون آن که "نیازی به داشتن مهارت و تقویت آن باشد، و بدون آن که برایش زحمتی به خودت بدهی"، می تواند پاداش به کسانی تلقی شود که برای "گام گذاشتن" در بازار کار معمولی هیچ کوششی نکرده اند. حتی کم نیستند مشاغلی در بخش دولتی، که گرچه دائمی و مهم اند، اما غالباً به عنوان "باری به هرچه" مورد تحقیر و تمسخر قرار می گیرند. به ویژه مشاغل "تضمین اشتغال" می توانند در معرض این



دست قضاوتها قرار گیرند هرگاه - و چنان که پیشتر نشان داده شده است، زیرا - عمدتاً مشاغلی ساده، ناضرور و "بیفایده" باشند و هستند. جای تعجب نخواهد بود اگر گروه‌های سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای مخالف با "تضمین اشتغال" آن را با موفقیت به عنوان نوئی برای بیکاران و عاملی برای افزایش "دقت نظر" کارگران اهل "ادای شغلی" معرفی کنند.

بهره برداری از کاستیها و اشتباهات "تضمین اشتغال" برای اهداف سیاسی: کارزار رسانه‌ای و سیاسی سازمانیافته علیه برنامه دولت کارگر استرالیا برای عایقکاری خانه‌ها، که در سال‌های 2007-2013 پیش برده شد، نشان می‌دهد که می‌توان به خوبی از اندکی اشتباه برای تخطئه یک برنامه بزرگ دولتی استفاده کرد. طبیعاً در یک برنامه بزرگ و چندوجهی مانند "تضمین اشتغال" حوادثی رخ خواهند داد: یک کارگر یا شهروندی از عموم مردم به سختی مجروح یا کشته می‌شود، برخی از کارهای "تضمین اشتغال" به نحوی غیراستاندارد انجام می‌شوند، یک کارگر با سابقه کیفری در مجاورت افراد آسیب پذیر می‌ماند کودکان به کار گمارده می‌شود، و از این دست. حتی در برنامه‌های بسیار کوچکتری چون کارهای داوطلبانه، حوادثی منجر به جراحت و مرگ شده‌اند. هر یک از این حوادث ارزش "خبری" و اعتراض خواهد داشت، زیرا "تضمین اشتغال" یک برنامه بدیع و ناگزیر موضوع مناقشه سیاسی خواهد بود.

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل * گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش 1 این مقاله چنین تعریف شده است

1. تضمین اشتغال "ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می‌آورد: یک امکان همگانی" برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی.
2. دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می‌کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی‌خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می‌کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده‌اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می‌شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی‌دهد.
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که " چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می‌کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می‌شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی‌شود.
4. کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می‌دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می‌شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیت‌ها را پیشنهاد می‌کنند که می‌تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت‌های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



جان هایی که قربانی سود خواهی مضاعف می شوند

صادق



گفته می شود ۱۳ هزار حادثه شغلی در کشور رخ می دهد و سالانه ۸۰۰ نفر در اثر حوادث کار کشته می شوند که علت اکثریت آنها عدم رعایت قوانین مربوطه با انگیزه مالی و سود افزایی و عدم پیگرد کارفرمایان متخلف است. نبود بازرسی کافی و تشکل کارگری در محل های کار که می تواند نقش مهمی در کاهش حوادث داشته باشند نیز مزید بر علت است.

در ۲۱ آذر ۹ کارگر زن شاغل در سردخانه بروجن که با یک مینی بوس عازم محل کار خود بودند در اثر آتش گرفتن مینی بوس در جهنمی از آتش گرفتار و به طرز فجیعی سوختند. چند روز بعد خبرگزاری ایلنا از کشته شدن ۶ تن از ۹ نفری که گرفتار حادثه شدند خبر داد. وضعیت ۳ تن دیگر که در بیمارستان بستری هستند آنطور که از گزارش بر می آید مناسب نیست.

بنا به برخی گزارشات علت آتش گرفتن سرویس آتش گرفتن کپسول گاز پیک نیکی داخل خودرو بوده است که بجای بخاری از آن استفاده می شده است. یعنی علت این فاجعه دردناک عدم رعایت اصول ایمنی بوده است.

در حادثه دیگری که در ۵ دی ماه در کارخانه رنگ سازی "صنایع اطلس فام سهند" واقع در شهرک صنعتی شهید سلیمی بوقوع پیوست ۶۵ کارگر مصدوم شدند. علت حادثه آنطور که در خبرگزاری ایلنا نوشته شده در اثر نشتی گاز تزریقی به مخزن بوده است.

در پنجم دیماه خبرگزاری ایلنا در گزارش ویژه ای که به افزایش حوادث کار اختصاص داشت نوشت: "در طول یک ماه گذشته تعداد حوادث کار به قدری بالا و دردناک بوده که نمی توان به سادگی از آن گذشت؛ «مرگ و مصدومیت سه کارگر شرکت فرآورده های نفتی پترو تات ماهان»، «مرگ ۵ کارگر زن سردخانه بروجن بر اثر آتش سوزی در سرویس کارگران»، «مرگ چهار کارگر دامداری بر اثر استنشاق گاز سمی در خراسان رضوی»، «مرگ پنج نفر از کادر درمان شبکه بهداشت میرجاوه بر اثر حادثه تصادف»، «مرگ دو کارگر فولاد بافق بر اثر حادثه کار»، «مرگ یک کارگر در عمق ۱۲۰ متری چاه آب در محدوده شهرک صنعتی ماشین سازی و فناوری های برتر مشهد»، «مرگ کارگر شهرداری زنجان در اثر در رفتن جک ماشین زباله»، «مرگ کارگر شهرداری مشکین شهر بر اثر تصادف»، «مرگ یک کارگر در گودبرداری غیراصولی در نظر آباد کرج»، «مرگ کارگر راه آهن گرمسار بر اثر برخورد با قطار»، «واژگونی مینی بوس حامل کارگران شهرک



صنعتی عطار نیشابوری و مجروح شدن ۱۶ کارگر، «مصدومیت ۸ کارگر پتوی لیلیان بافت یزد در حادثه‌ی "تصادف سرویس کارگران" و حوادث بسیاری دیگر که در همین ماه آبان اتفاق افتاده است

تقریباً روزی نیست که گزارشی از کشته و مجروح شدن چند کارگر در رسانه‌ها منتشر نشود. تعداد حوادث کار و بیماری‌های شغلی بیش از سه دهه است که مرتب رو به فزونی داشته است اما درصد حوادث تا کنون رکوردهای سالهای گذشته را پشت سر گذاشته است. علت افزایش به نگاه و برخورد و نگاه دولت رئیسی به روابط کار و چشم فرو بستن دولت به رعایت نکردن قوانین مربوط به ایمنی و بهداشت محل‌های کار دارد.

گفته می‌شود ۱۲ هزار حادثه شغلی در کشور رخ می‌دهد و سالانه ۸۰۰ نفر در اثر حوادث کار کشته می‌شوند که علت اکثریت آنها عدم رعایت قوانین مربوطه با انگیزه مالی و سود افزایی و عدم پیگرد کارفرمایان متخلف است. نبود بازرسی کافی و تشکل کارگری در محل‌های کار که می‌تواند نقش مهمی در کاهش حوادث داشته باشند نیز مزید بر علت است.

آمار دقیقی و همه شمولی از حوادث کار هیچگاه منتشر نشده و آمارهایی هم که توسط نهادهای مختلف منتشر می‌شوند با هم فاصله بسیار دارند. آمارهای منتشره نیز مربوط به حوادث کارگاه‌هایی است که مشمول قانون کار هستند. این در حالی است که تعداد کارگران و کارگاه‌های غیر مشمول قانون کار چند برابر مشمولین قانون کار است و طبعاً هم تعداد حوادث باید در کارگاه‌های غیر مشمول بسیار بیشتر باشد. در هر حال از مجموع مسایل و برخوردها معلوم می‌شود که دولتمردان با وجود هزینه سنگین که این حوادث برای کشور دارد سرمایه داری حاکم بر ایران نه تنها ارزشی برای جان کارگر قائل نیست، بلکه گویا از زبانی که به این خاطر به کشور وارد می‌شود نیز غافل اند.

چرا که بنا به گزارش سازمان بهداشت جهانی زیان‌های ناشی از عدم رعایت بهداشت حرفه‌ای معادل ۴۰ تا ۴۲ درصد از درآمد سرانه هر کشور را به خود اختصاص می‌دهد. طبق یکی از آمارها "تعداد کارگران حادثه دیده مرد از ۱۸۲۴۹ در سال ۹۴ به ۴۲۸۹۸ مورد در سال ۹۹ رسیده است و سهم زنان حادثه دیده از ۵۳۷ مورد در همین دوره به ۱۵۹۲ مورد رسیده است". یعنی در واقع آمار حوادث در ظرف ۵ سال به بیش از ۳ برابر رسیده است.

به گفته حسن اصیلیان رئیس انجمن متخصصین بهداشت حرفه‌ای "به دلیل ترس، بسیاری از گزارش‌هایی که می‌توانند از آسیب‌های جدی پیش‌گیری کنند ارائه داده نمی‌شوند. در مقابل محیط‌های کاری که در آن‌ها تعداد کارگر مشارکت‌کننده بیشتر است، ۶۴ درصد حوادث ایمنی و ۵۸ درصد حوادث منجر به راهی شدن ... "به بیمارستان کمتری گزارش شده است

در گزارش‌های دیگر هم از قول کارگران گفته شده تعداد حوادث اتفاق افتاده در محل‌های کارشان بسیار زیاد است، اما تعداد کمی از آنها گزارش می‌شود و کارگران از ترس اخراج شدن به درخواست کارفرما از صحبت کردن در موردشان بر حذر داده می‌شوند.

پیش بسوی سازماندهی کمیته‌های اعتصاب درکارخانه و اداره!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



طرح هایی که فقط به درد اعتصاب شکنی می خورند!

صادق



راه کار البته برای رهایی از این وضعیت برزخی وجود دارد و آن چیزی نیست به غیر از این که کارگران عطای این نوع تشکلهای قلابی و رهبران هیچکاره شان را به لقایشان ببخشند و دسته جمعی به مانند همکاران شان در پتروشیمی آبادان و بقیه شرکتهای پیمانی اعتصاب کنند و به سر کار بر نگردند تا ببینند مجلس آنوقت هم دوسال آنها را سر می دواند

وقوع چند اعتصاب تازه در صنعت نفت و پتروشیمی و بازداشت و سرکوبهای شدید برای بازداشتن کارگران و کارکنان واحدهای بیشتری به اعتصاب باز هم دلیلی شد برای طرح چند باره یک وعده کاذب برای اعتصاب شکنی و توجیه سرکوب کارگران اعتصابی

همزمان با اعتصاب کارگران پتروشیمی آبادان مسئولین دولتی مسئول یکی از تشکلهای دست پرورده خود را فرا خواندند تا با دادن امید کاذب به افزایش دستمزد و تبدیل وضعیت شغلی شان، در مجلس در آینده از اعتصاب شان جلوگیری کند

رامین اناری که خبرگزاری ایلنا از وی با عنوان (نماینده کارگران شرکتی و قراردادی سراسر کشور) یاد کرده در مصاحبه ای که این خبرگزاری با نامبرد انجام داد با اشاره به موافقت نمایندگان مجلس با تصویب طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت " موافق هستند اما مانع تصویب طرحی که بیش از دو سال است در مجلس بلا تکلیف مانده هئیت رئیسه مجلس هستند و گویا هئیت رئیسه هم بخاطر مخالفت سازمان استخدامی حاضر به قرار دادن آن در دستور کار مجلس برای بررسی نیست، همه مقصر هستند، اما تقصیر کار را به گردن دیگری می اندازند، روشی که در تمام نهادهای حکومتی مرسوم است و مقصود از آن دست به سر کردن مردم است

اناری در ارتباط با مخالفت سازمان امور استخدامی با تصویب طرح می گوید: نمایندگان مجلس به ما " گفته اند که سازمان امور استخدامی همچنان با طرح ساماندهی مخالف است و کارشکنی می کند اما خواسته ی ما این است که هیات رئیسه مجلس شهامت و ایستادگی داشته باشد و طرح را به صحن



بیاورد تا تکلیف آن معلوم شود. اگر قرار است تصویب شود، بشود و اگر نمایندگان مخالفند، رای ندهند تا ما بدانیم تکلیف مان چیست.

به گفته‌ی وی، اگر مجلس همانطور که مدعی‌ست همراه کارگران است؛ طرح را مصوب کند و بگذارد اگر قرار است به مانع بخورد در مراحل بعدی باشد.

او در پایان تاکید می‌کند: همین یک هفته ده روز کار را تعیین تکلیف کنند تا هزاران خانواده بعد از دو سال "انتظار از بلا تکلیفی نجات پیدا کنند".

طرح مذکور طرحی است که برای استخدام مستقیم کارگران قراردادی و پیمانی کار می‌کنند برای تصویب بیش از دو سال است که در مجلس بلا تکلیف مانده است. اما هر وقت اعتصاب موثری در یکی از شرکتهای مشمول طرح شروع می‌شود دوباره این طرح را رو می‌کند و وعده تصویب آن در آینده را می‌دهند. وقتی که اعتصاب پایان گرفت همه چیز به حال اول بر می‌گردد.

گفته آقای اناری مبنی بر اینکه نمایندگان مجلس با تصویب طرح موافقت ولی هئیت رئیسه مانع تصویب در جلسه عمومی مجلس است، به نظر نمی‌رسد حقیقت داشته باشد. یعنی یا ایشان واقعیت را با نیت زنده نگه داشتن امید کاذب در میان کارگران پنهان می‌کند، یا نمایندگان با تصویب طرح مخالف هستند که در هر صورت معلوم می‌شود طرح از این به بعد هم تصویب نخواهد شد. این آقای "نماینده" باید واقعیت را به کارگران بگوید تا تکلیف خودشان را با مجلس و این نماینده بدانند. راه کار البته برای رهایی از این وضعیت برزخی وجود دارد و آن چیزی نیست به غیر از این که کارگران عطای این نوع تشکلهای فلابی و رهبران هیچکاره شان را به لقایشان ببخشند و دسته جمعی به مانند همکاران شان در پتروشیمی آبادان و بقیه شرکتهای پیمانی اعتصاب کنند و به سر کار بر نگردند تا ببینند مجلس آنوقت هم دوسال آنها را سر می‌دواند.



بنا بر خبر دریافتی از همکاران؛ امروز دهم دی همزمان با اعتصاب در پالایشگاه آبادان، کارکنان میدان نفتی آذر مهران در استان ایلام و همینطور کارکنان رسمی پالایشگاه اراک نیز دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند.



تجمع واعتصاب کارکنان شرکت نفتی اذر مهران
شنبه ۱۰ دی ۱۴۰۱



تشکل حکومتی، هم اعتصاب شکن و هم سرکوبگر! به دنبال اعتراضات و اعتصاب هایی که اخیرا در صنعت نفت و پتروشیمی رخ داد و بعد از اعتصاب کارگران پتروشیمی آبادان یک تشکل حکومتی دستیار نیروی سرکوب و مدیریت بنام "انجمن رسما و علنا در کنار مدیریت و دستگاه سرکوب مشغول اعتصاب شکنی و جلوگیری از حضور کارگران در محل کار است. تشکلی که به اسم دفاع از حقوق کارگر توسط حکومت تشکیل شده، اما کارش خدمت به حکومت و خیانت به !حقوق کارگر است

گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت از وقایع مرتبط با اعتصابات در حمایت از جنبش اعتراضی همکاران ارکان ثالث در پارس جنوبی بنا بر خبرهای دریافتی ۱۰ نفر از همکارانی که در تجمع روز سوم دی شرکت کرده بودند، از روز شنبه با گرفتن گیت پاس هایشان، پشت درهای حراست نگه داشته شده و از ورود به محل کار منع شده اند. صمصامی سرپرست حراست فیزیکی پالایشگاه سوم، بازگشت به کار این همکاران را منوط به ارائه تعهد با ثبت رسمی در دفتر ثبت اسناد کرده است

همچنین با خبر شدیم تعداد دیگری از همکاران در پالایشگاههای مختلف که در شبکه های اجتماعی از فراخوان اعتصاب حمایت کرده اند با گزارش اعضای انجمن صنفی پالایشگاهها که تبدیل به بازوی سرکوب مطالبه گری کارگران شده اند، به حراست فراخوانده شده و ضمن بازجویی تهدید به اخراج از کار شده اند نباید اجازه دهیم که سرکوب و دستگیری باعث عقب نشستن ما کارگران از خواستههای برحق خود و یکه تازی حراست و سرکوبگران شود

با اعتصاب اخطاری، با ایجاد صندوق همیاری و کمک به همکارانی که کار و معیشتشان در خطر قرار میگیرد و با بیانیه های محکم خود و تاکید بر ادامه اعتراضات تا جمع کردن بساط پیمانکاران چپاولگر و پایان دادن به فضای پادگانی حاکم در مراکز نفتی باید با این تعرضات مقابله کنیم



دوستان و همکاران ارکان ثالث در پارس جنوبی، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی کنار شما و صدای شماست

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

سال نو میلادی بر همگان خجسته باد!



فرارسیدن سال نو میلادی را به همگان شادباش می‌گوئیم. سالی که برای ایرانیان در سراسر جهان، رنگ و بوی دیگری داشت. گرچه شادی سال نو در سایه‌ی سرکوب و زندان و غم و اندوه از دست دادن بسیاری از هموطنان قرار گرفت

سال ۲۰۲۲ سال برآمد جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در کشور ما بود. جنبشی که بعد از قتل مهسا (ژینا) امینی آغاز شد، به سرعت و پر بستر نارضایتی عمومی از حکومت جمهوری اسلامی، سراسر کشور را دربرگرفت، ارکان رژیم را به لرزه درآورد و توازن بین حکومت و مردم را تغییر داد. جنبش انقلابی مردم که در راس آن زنان و جوانان قرار دارند، علیرغم قتل بیش از پانصد تن که بخشی از آنان کودکان هستند، دستگیری و زندان بیش از ۱۸ هزارتن، بیش از صد روز است که ادامه دارد و هر روز با جلوه‌ای دیگر، سر برمی‌آورد و نوید برانداختن طرحی نو بر ویرانه‌های حاکمیت جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد. جمهوری اسلامی با تمام توان به مقابله با این جنبش برخاسته‌است، اما قادر به مهار آن نشده‌است. جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» از حمایت بی‌سابقه‌ی بین‌المللی و قبل از همه میلیون‌ها هموطن در سراسر جهان برخوردار است و به یک جنبش جهانی علیه استبداد مذهبی در ایران تبدیل شده‌است.

سال ۲۰۲۲ همچنین سال تشدید بحران‌های اقتصادی، تورم، گرانی، فقر، افزایش شکاف طبقاتی، رکود و تورم، هجوم وحشیانه به تشکل‌های صنفی و مدنی و دستگیری و محکومیت رهبران آنها و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان و دیگر گروه‌های مزد و حقوق‌بگیر در کشور ما بود

در سالی که گذشت، هم‌چنان اکثریت مردم در سراسر جهان اسیر فقر و بی‌عدالتی، تبعیض و نابرابری بودند. یک در صد از جمعیت جهان، هم‌چنان بیش از هشتاد درصد ثروت را در اختیار دارند، دارائی تعداد انگشت شماری از سوپر میلیاردرها، بیش از ثروت نیمی از جمعیت جهان است و در مقابل، صدها میلیون تن در چهار گوشه‌ی جهان از گرسنگی و فقر دائم رنج می‌برند و محتاج نان روزانه‌ی خود هستند



سال ۲۰۲۲ سال تجاوز روسیه به اوکراین و آغاز جنگ ویرانگری بود که اکنون بیش از ده ماه است ادامه دارد. طی این مدت، شهرها ویران و هزاران تن جان باخته‌اند. میلیون‌ها تن از مردم اوکراین آواره و مجبور به ترک کشور خود شده‌اند و در بیم و هراس فردای خود به سر می‌برند. جنگی که سیمای اروپا را دگرگون کرده، تاثیر سوء خود را بر تحولات جهان برجای گذاشته و به میلیتاریزه شدن بیشتر دامن زده‌است؛ صلح و امنیت عمومی را به مخاطره انداخته‌است؛ هم چنان ادامه دارد و نشانی از پایان آن دیده نمی‌شود. جنگ اوکراین نمودی از جنگ جاری بر سر تقسیم جهان به حوزه نفوذ قدرت‌های بزرگ است. این جنگ، مقطعی از روند گذر از رویای آمریکائی جهان تک قطبی تحت هژمونی آمریکا به وضعیت جدید به شمار می‌رود. «غرب» به‌ویژه آمریکا به‌خاطر پیشبرد سیاست‌های توسعه طلبانه و حفظ و گسترش پیمان نظامی ناتو در اروپای شرقی، به جای گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی، زمینه‌ی این جنگ را فراهم آورده‌است. کمبود و گرانی مواد غذایی در جهان و افزایش خطر گرسنگی به‌واسطه قطع صدور غلات یکی از پیامدهای محسوس جنگ اوکراین است.

سال ۲۰۲۲ در مناطقی از جهان، همچنان درگیری‌های نظامی و تنش‌ها ادامه یافت و آرامش و امنیت را از میلیون‌ها تن بازستاند. بر تعداد آوارگان و مردم بی‌خانمان بیش از پیش افزوده‌شد.

سال گذشته همچنین، سال تنش‌های بیشتر در منطقه‌ی خاورمیانه بود. بحران در لبنان، جنگ داخلی در سوریه، بی‌ثباتی سیاسی در عراق و درگیری در یمن همچنان ادامه دارد. استیلاي طالبان بر افغانستان، تنش‌ها در این کشور را تداوم بخشیده‌است. مناسبات جمهوری اسلامی با اکثر کشورهای منطقه تیره و تار است. دخالت جمهوری اسلامی و حضور نیروهای شبه‌نظامی وابسته به آن در مناقشات منطقه‌ای یکی از عوامل تیرگی رابطه با همسایگان است. برآمد دوباره‌ی دولت راستی اسرائیل در آخرین انتخابات این کشور، ادامه‌ی تنش‌ها و بحران‌ها در منطقه را افزایش خواهد داد.

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق) امیدوار است که سال ۲۰۲۳، سال موفقیت انقلاب مردم ایران باشد؛ پایه‌های قدرت این حکومت مستبد به نیروی مبارزه‌ی مردم متحد ایران از هم بگسلد. کارگران، زحمتکش‌ان و دیگر مردمان کشور ما بتوانند راه استقرار یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدائی دین و دولت را به جای جمهوری اسلامی هموار نمایند؛ همچنین، جنگ در اوکراین متوقف شود و بشریت بتواند شعله‌ی آتش این جنگ و دیگر تنش‌ها در جهان را مهار کند، جنگ آفروزان و ماجراجویان را عقب بنشانند. آسایش و رفاه عمومی جان بگیرد. تبعیض، مغلوب برابری گشته، کشتار و اعدام، رخت بر بندد و صلح و دوستی بین ملت‌ها تقویت گردد.

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)
۱۰ دی ۱۴۰۱ - ۱ ژانویه ۲۰۲۳

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>